

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی-پژوهشی
سال هفتم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۶

بررسی مسائل انتقادی در اشعار سیف‌الدین محمد فرغانی و دسته بندی

آن مسائل بر اساس دیوان شاعر

(ص ۲۶۱-۲۴۳)

محمد مجوزی (نویسنده مسئول)^۱، سارا نظام دوست^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۲۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

چکیده

ادبیات و آثار ادبی همواره تابع رویدادهای سیاسی و اجتماعی هستند و جهت‌گیریها و مسائلی که در ادبیات مطرح می‌شوند، از تغییرات مهم در جامعه تأثیر می‌پذیرند. مجموعه این عوامل است که زمینه را برای بررسی تأثیر رویدادهای اجتماعی در ادبیات فراهم می‌آورد.

یکی از مسائلی که در ادبیات فارسی از نظر جامعه‌شناسی قابل بررسی است، ادبیات انتقادی و زمینه‌های اجتماعی آن است. سیف‌الدین محمد فرغانی از آن دسته شاعرانی است که در شعرش انتقاد از اوضاع نابسامان عهد مغول بسیار صریح بیان گردیده است. شعر او ریشه در واقعیات اجتماعی و سیاسی روزگارش دارد. در این مقاله با بررسی اشعاری که شامل مسائل انتقادی است و سیف در آن اشعار افراد و مشاغل و مناصب مختلف را به باد انتقاد گرفته است، انتقادات او در قالب شکوه و شکایت و پند و اندرز دسته بندی و هر کدام از آنها که شامل انتقادات اخلاقی، سیاسی و انتقاد از افراد و مناصب دولتی است، مورد بحث واقع شده است.

کلمات کلیدی: سیف‌الدین محمد فرغانی، ادبیات انتقادی، شکوه و شکایت، پند و اندرز.

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل mo.javezy@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل 65@nezamdoost@gmail.com

مقدمه

شاعران ایرانی در طول تاریخ درازآهنگ ادبیات ایران معمولاً مردانی باشعور، متعهد و مردم‌دوست بوده‌اند. در اندیشه ایرانی و ادبیات فارسی، از نخستین قرنهای بعد از اسلام، آثاری وجود دارد که در آنها انتقادهای سیاسی و اجتماعی یافت می‌شود، چراکه ادبیات و متون ادبی «مهمترین اسناد مسائل اجتماعی ماست» (زمینه اجتماعی شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۲۱۱). «این گونه انتقادات در قرنهای هفتم و هشتم و پس از حمله مغول و رواج فساد در جامعه، در ادبیات فارسی شدت بیشتری یافت و بسیاری از شاعران خانقاهی و نیز بسیاری از زندان و دانایان زمان، به انتقاد از اوضاع جامعه پرداختند» (سرچشمه تصوف در ایران، نفیسی: ص ۳۳)، اما بارزترین تجلی ادبیات انتقادی در اشعار سیف فرغانی متجلی است. مفاهیمی که سیف فرغانی با درونمایه‌های اجتماعی در آثار خویش به کار برده، متناسب با اوضاع اجتماعی و سیاسی زمان بوده است. شعر و ادب سده‌های هفتم و هشتم که مصادف با دوره استیلای مغولان بود، بیش از پیش آکنده از اندیشه‌های صوفیانه، گوشه‌نشینی، دعوت مردم به ترک دنیا، بدبینی، ناخشنودی، شکایت از روزگار و انتقادهای اجتماعی شد؛ هرچند انتقاد از اوضاع اجتماعی در ادب دری تازگی نداشت و در هر سده‌ای، شاعرانی از تبار مردم زخم‌های جامعه را دیدند و باز گفتند، (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ص ۱۷۲) اما در دوران یورش مغول و تأثیر آن بر همه ابعاد زندگی اجتماعی و اقتصادی، نامنی و فساد اخلاقی امرا و حکام و رذایل اخلاقی به حدی گسترش یافت که باعث شد شعر انتقادی بیش از هر دوره‌ای رواج بیابد. سیف یکی از معدود شاعران و متفکرانی است که مسائل اجتماعی زمان خویش را که از فجیع‌ترین عهدها به شمار می‌رفت، با بیانی زیبا تصویر کرده است.

در این مقاله مسائل انتقادی در قالب پند و اندرز و شکوه و شکایت، در دیوان سیف فرغانی، عارف قرن هفت و هشت هجری مورد بررسی و دسته‌بندی قرار گرفته است. در پایان نیز با ترسیم نمودار بسامدی و بیان درصد میزان کاربرد شاعر از شخصیت‌ها و سایر طبقاتی که به لبه تیغ انتقاد وی کشیده شده‌اند، نتیجه سودمندی حاصل گردید. همچنین این مقاله، به شیوه توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

ادبیات انتقادی

ادبیات انتقادی و پرخاشگر از شاخه‌های مهم ادب فارسی است و آن «ادبیاتی است که از نظام‌های سیاسی و اجتماعی خاص حمایت می‌کند و یا با نظام‌های بخصوصی به ستیز برمی‌خیزد و از آنها زبان به انتقاد می‌گشاید» (انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، رزمجو: ص ۸۲). در ادبیات انتقادی شاعر یا نویسنده «معایب و نارسایی‌های اخلاقی و رفتاری فرد یا اجتماع را به صورت هجو، یا به زبان هزل و طنز، بیان می‌کند» (همان: ۸۳). در این نوع ادبیات، تفکرات فلسفی و مذهبی و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی خاص، مطرح می‌شود و مهم‌ترین مضامین موجود در آن «بزرگداشت از آزادی و استقلال وطن‌دوستی، ظلم‌ستیزی و مبارزه با استبداد و جهل و فقر و فساد اجتماعی و حمایت از طبقات محروم جامعه است» (همان: ۸۹). بدین ترتیب جایگاه شاعر در بستر تحولات اجتماعی تبیین می‌شود و شاعر از حساس‌ترین افراد جامعه شناخته می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت به همین دلیل است که شاعران در مقابل کنش‌های ناعادلانه، بیشتر و بیشتر از دیگر افراد انتقادهای خویش را فریاد می‌زنند.

معرفی سیف فرغانی و دیوان وی

کامل ترین اطلاعات در زمینه زندگی و آثار سیف الدین فرغانی در دیوان وی ذکر گردیده است. تنها اثر سیف الدین محمد فرغانی دیوان اوست که مجموعه ای از ۳۳۶۹ بیت غزل، ۷۲۱۶ بیت قصیده، ۴۶ بیت رباعی و ۳۴ بیت قطعه می باشد و مجموع ابیات آن تقریباً یازده هزار بیت می شود. این شاعر فرغانه ای، در فرغانه، ناحیه ای پهناور در ماوراءالنهر، متولد شد. دوران حیاتش مقارن با هجوم و ویرانی مغول و تاتار بود (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، صفا: ص ۴-۶۲۳) و در جریان حمله هولناک مغولان، مانند بسیاری از دانشمندان و عارفان عصر خویش «به آسیای صغیر رفت و در آق سرا، در ترکیه کنونی، نشیمن گزید و در همان جا میان سالهای ۷۴۹-۷۰۵ در گذشت» (دانشنامه ادب فارسی، انوشه: ص ۵۳۸).

انتقادات سیف الدین محمد فرغانی

در مطالعه دیوان سیف، اشعار متعددی در بر دارنده مسائل اجتماعی و انتقادی هستند. سیف بیشتر فسادهای اخلاقی و ضد بشری در عهد خویش را نکوهش می کند و بر عاملان آن خرده می گیرد و با تند باد انتقاد بنای ظلم آنها را اگر خراب نکرده، سست می کند. انتقادهای سیف بیشتر جنبه اخلاقی، اجتماعی سیاسی دارد، و هم چنین انتقاد از صاحب منصبان و مشاغل سیاسی و اجتماعی را در بر می گیرد. اشعار و اندیشه های انتقادی در قرن هفتم و هشتم دارای شدت بیشتری نسبت به ادوار قبلی است. با استیلای مغولان بر ایران، مفاسد اجتماعی شدیدتر و سخت تر شد. کشتارها و قتل عام مردم و دیگر فجایع مرگ بار از جمله شاهکارهایی است که توسط مغولان در این دوره طولانی نزدیک به دو قرن رخ داده است.

باید انصاف داد که در تاریخ شعر کهن فارسی، کمتر شاعری به آزادگی و علو طبع سیف فرغانی پیدا می شود. وی به واسطه برخورداری از روحی سرکش و تشنه حقیقت، در اشعارش هیچ گاه رسالت تبلیغ و هدایت گری را فراموش نکرده است. مبارزات انتقادی سیف بیشتر مبارزه ای غیرمستقیم است؛ به این معنا که سیف با طرح یک موضوع اخلاقی یا فضیلت اخلاقی و ستایش فردی که آن فضیلت را داراست، در واقع انتقاد و اعتراض خود را نسبت به کسانی که دارای آن فضیلت نیستند و در نقطه مقابل رذیلت اخلاقی دارند، بیان می کند. برای مثال، اگر سیف در شعری تواضع را می ستاید، در واقع غرور و تکبر را نکوهش می کند و متکبران را مورد حمله قرار می دهد؛ اگر بی اعتنائی به ملک دنیا را می ستاید و ترویج می کند، در واقع می خواهد دنیا دوستان و شیفتگان زر و ثروت را نکوهش کند. به طور کل می توان گفت که پند و اندرزها و شکوه و شکایات سیف متوجه طبقات مختلف جامعه از جمله: حاکمان ستمگر، صاحب منصبان، ریاکاران، فرمانروایان نالایق، عاملان حکومتی، شاعران چاپلوس، طبقه فاسد جامعه، وزیران سرکش، قاضیان رشوت خور، مستوفیان زر اندوز و مواردی از این قبیل است.

۱- شکایت

در طول تاریخ شاعران به نحوه های گوناگونی مورد رنج و درد و شکنجه و حبس و بند و گرفتاری های متعدد قرار گرفته اند. یکی به جرم اعتقادات، دیگری به جرم آزادی خواهی و یکی دیگر به اتهام سیاسی و اخلاقی و دهها اتهام دیگر. شکایت یا بث الشکوی «عنوانی است برای اشعاری که مضمون و محتوای آن شکوه و شکایت از دردها و رنجهایی است که شاعر متحمل شده است» (ترجمات البلاغه، جرجانی: ذیل

واژه) بٹ الشکوی «جزء ادبیات غنایی محسوب می‌شود. و بر شعری اطلاق می‌گردد که در آن شاعر شکوه‌ها و شکایت‌های خود را از روزگار بازمی‌گوید» (تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان فارسی، ج ۵، صفا: ص ۹۹). طبیعی است که دلیل شاد نبودن هنرمند، می‌تواند روحیه حساس و شکننده او باشد، چرا که تأثیر مشکلات و گرفتاری‌ها، قطعاً بر روحیه حساس آن‌ها بیش‌تر و ماندگارتر است. حتی هنرمندان و شاعرانی که از هر جهت (بالاخص مادی) در رفاه کامل بوده‌اند، باز هم در جاهایی از اشعارشان، از اوضاع زمانه می‌نالند. عنصری با همه ابهت و مقامی که به دست آورده بود باز هم آنچنان که باید مورد لطف سلطان نبوده است. با مطالعه دیوان سیف، هر خوننده ای درمی‌یابد که دیوان این شاعر سرشار از انتقاد استاین انتقادها از وی فردی ستودنی ساخته که هر کس به سراغ دیوانش برود، بی‌هیچ تردیدی زبان به تمجیدش می‌گشاید و او را در کنار بزرگان ادب دری قرار می‌دهد، چنانکه شفیعی کدکنی او را در زمینه انتقاد دگویی در کنار سنایی قرار داده است. (زمینه اجتماعی شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۲۵۷)

۱-۱- شکایت از ریاکاران و زهد فروشان

هر گاه جامعه گرفتار نا امنی و آشفتگی گردد، افراد ریاکار و منحرفی با توسل به القابی چون عارف و صوفی و درویش و ... اهداف خویش را پیش می‌برند. یکی از این دوره‌های نا امن و دور از آسایش دوره حکومت ایلخانان بوده است که زمینه‌ها برای پیشبرد اهداف این سودجویان زاهد نما فراهم نموده است. مسلم است که در چنین شرایطی، سیف برای بیان اعتراض خود نسبت به صوفیان و زاهدان ریاکار که ادعای دین‌داری دارند، ساکت ننشسته است. وی بر زهدفروشان ریاکار می‌تاخت و بر آنان سرزنش‌های تند و عتاب آمیزی تحمیل می‌کرد، زیرا که دریافته بود بسیاری از این زاهد نمایان هم دست تبه کاران هستند. نمونه ای از اشعار او در این زمینه، ذکر می‌گردد:

ای تو را در کار دنیا بوده دست افزار دین وی تو از دین گشته بیزار و ز تو بیزار دین
ای لقب گشته فلان الدین و الدتیا تو را ننگ دنیایی و از نام تو دارد عار دین...
(دیوان فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا: ص ۲۲۷)

وی از حرص و ولع عارفان دروغین بر حرام خوری، اینگونه یاد می‌کند:

از حرام ار خاک باشد آستین پر می کنی وز گل ره می کنی دایم به دامن احتراز
(همان: ص ۱۷۸)

سیف فرغانی از زاهدان و عارفان متظاهر با القابی چون «سامری»، «گربه زاهد»، «مزدور شیطان»، «طاووس»، «هم کاسه‌سگ» یاد می‌کند:

ای به تزویر و حیل چون سامری گوساله ساز گاو بازی زین نمط کم گیر بر گردون خویش
(همان: ص ۳۸۷)

در نظر سیف، افراد ریا کار به سان طاووسانی هستند که بال زیبایشان موجب پنهان شدن پای زشت آنها نخواهد بود:

چو طاووسی تو در دنیا ودر عقبی کجا ماند
سیه پائی تو پنهان به با چون نگار تو
به جامه قالب خود را منقش می کنی تا شد
تکلفهای بی معنی تو صورت نگار تو
ای شیخ گربۀ زاهد اوز بهر نان مجاهد!
(دیوان فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا: ص ۷)
برخوان آرزوها، هم کاسه ای سگان را
(همان: ص ۵۵)

در بررسی اشعاری که حاوی مسائل انتقادی بودند، سیف ۹۳ بیت را در خصوص انتقاد از ریاکاران و زهد فروشان سروده است. برای مشاهده این ابیات به آدرس های زیر اشاره شود. (لازم به ذکر است که تمامی شاهد مثال ها از دیوان سیف و به ترتیب ابتدا شماره صفحه / و بعد شماره بیت ذکر گردیده است): (۱۷/۶)، (۱۷/۷)، (۱۰ تا ۵/۸)، (۱۱ تا ۸/۱۱)، (۲۵/۱۳، ۱۲، ۸)، (۱/۳۰)، (۱۱/۳۱)، (۱۶/۴۸)، (۳/۵۶)، (۳/۷/۵۷)، (۵)، (۱۶/۳۲۷ تا ۱۰) و....

۲-۱- انتقاد از دنیا طلبی و مذمت دنیا طلبی

اکثر شاعران در ترک دنیا پرستی و قطع تعلقات دنیا قلم رانده اند. سیف از دنیا با نان شکارگاه سگان یاد می کند و معتقد است که انسان ارزشی ورای دنیای دنی دارد، بنابراین دور از لیاقت اشرف مخلوقات است که به دنیایی که با جفای خویش نفرتش را به آدمیان ثابت کرده، افتخار کند:

ترک دنیای دنی گیر که لایق نبود
تو بدو مفتخر و او ز تو می دارد عار
جامه جان پاک کن از گرد حدث
زانکه لایق نبود جیب مسیحا به غبار
باشد که باز همت ما پر بر آورد
تا زین شکارگاه سگان نیز بگذریم
(دیوان فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا: ص ۶۶)
(همان: ص ۸۱۳)

ایا دلت شده از کار جان به تن مشغول
کمی نکرده غم جانت از بدن مشغول
کار آخرتت کرد شغل دنیا منع
چو مرغ را طلب دانه از وطن مشغول...
(همان: ص ۲۶۶)

توجه همیشگی و تن دادن به خور و خواب و پرداختن به جسم، کار حیوانات و جانوران است. در نظر سیف انسان هایی که جز به جسم خود نمی اندیشند، نیز مانند جانوران و حیواناتند و چه بسا کمتر از آنانند:

ز چربی دنیا بشوی دست از
سگ ست آنکه باستخوانی خوش ست
چون گوشه بر استخوانی درو
که این بقعه را آب و نانی خوش است.....
(همان: ص ۵۴)

۱۰۲ بیت از ابیات انتقادی سیف در انتقاد از دنیا طلبی و مذمت آن می باشد. برای مشاهده این ابیات به شماره بیت های زیر در دیوان سیف مراجعه فرمایید:

(۲/۵)، (۲-۳/۷)، (۸/۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۹-۷-۵-۴-۱)، (۹/۹)، (۱۰/۱۱-۷-۶)، (۱۲/۱۸-۱۱-۸-۲-۱)، (۱۷۱۱)، (۲۸۴/۴-۳-۱)، (۳۴۸/۱۵-۱۰-۹)، (۳۸۷/۷)، (۴۰۶/۴-۱۲)....

۳-۱- انتقاد از بازاریان و کاسبان کم فروش

در زمانهٔ سیف نفاق و دورنگی بیش از قبل بر همه جا سایه افکنده بود؛ بازاریان و کم فروشان از لبهٔ تیغ تیز انتقاد سیف، جان سالم به در نبرده اند. او به بازاریان توصیه می کند که روز بازخواست را فراموش نکنند؛ زیرا زیان فراوانی گریبان گیرشان خواهد بود:

ایا بازاری مسکین، نهاده در ترازو دیـــــــن
چو سنگت را سبک کردی گران زان است بار تو!
تو گویی سودها کردم، ازین دکان چو برخیزی
به بازار قیامت در پدید آید خسار تو
(همان:ص:۱۲)

سیف در ۱۰ بیت، از بازاریان با شکوه و شکایت، انتقاد کرده است. برای مشاهده در دیوان سیف، به آدرس های زیر مراجعه فرمایید:

(۱۲ / ۶-۷)، (۴ / ۲۰۵)، (۱۱ / ۲۲۶)، (۱۳ / ۱۳۸)، (۱۴، ۱۵ / ۲۴)، (۱۷ / ۱۸۱).

۳-۲- انتقاد از مدح و چاپلوسی شاعران درباری

در بررسی شعر فارسی، بی تردید مدح و مدیحه سرایی به وفور دیده می شود. شعرای مدیحه سرای زیادی، برای اندکی جاه و حشمت زودگذر، نه تنها به مدح و شاهان و امرا، بلکه به ستایش از درباریان و صاحب منصبان دود پایه نیز می پرداختند و توسط مدح، شأن و منزلت انسانی خود را فراموش کرده و دیگران را در اوج قلّه های نیکی ساکن کرده اند. در این میان شاعران دیگری با مناعت طبع بسیار، خود را از این ورطه دور نگه داشتند و حتی آن را نکوهش کردند. با مطالعه دیوان فرغانی نه تنها اثر چندانی از قصاید مدحی درباری در آن نمی توان یافت بلکه با انتقادات بسیاری روبرو می شویم که در آنها سیف، شاعران مداح و متملق درباری را مورد نقد و نکوهش قرار می دهد:

ای ز بازار جهان حاصل تو گفتاری
عمر تو موسم کار است و جهان بازاری
(دیوان فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا:ص:۲۴)

و در ادامه، سیف توصیه می کند:

همچو بلبل که بر افراز گلی بنشیند
چند گفستی سخن و هیچ نکردی کاری
زاهد آن است که بی زاد و تهیدست رود
گر ازین مزرعه کس پر نکند انباری
هر چه گویی بجز از ذکر، همه بیهوده است
سخن بیهوده زهر است و زبانت ماری...
(همان:ص:۲۴)

سیف ارزش سخن را بسیار والاتر از آن می داند که در پای کسانی نالایق و نادان ریخته شود، چرا که شعر ثمره بستان خاطر انسان است و نباید فدای لقمه ای نان شود:

ز بستان خاطر برنند این جماعت
برای علف نزد هر خــــر شکوفه
(همان:ص:۹۵)

وی بیان می کند که در دولت «سیم پرستان گدا» که بر جامعه حاکم شده اند، شعری که از برای زر و زیور دنیا بگویی، از خاک کم ارزش تر است:

بررسی مسائل انتقادی در اشعار سیف الدین محمد فرغانی و دسته بندی آن مسائل بر اساس دیوان شاعر/۲۴۹

شعر در دولت این سیم پرستان گدا کمتر از خاک بود گر ز پی زر گویی
(همان:ص ۲۱۲)

در دیوان این شاعر معترض، ۴۷ بیت در زمینه انتقاد از شاعران چاپلوس و درباری یافت شد.
(۱۶/۲۴ تا ۱۶/۲۵)، (۱/۲۵ تا ۱/۲۶)، (۱۰/۲۳۰ تا ۱۰/۲۳۱)، (۱۱/۷۰۴ تا ۱۱/۷۰۵)، (۱/۵۸۲ تا ۱/۵۸۳)، (۱/۶۴۴ تا ۱/۶۴۵)، (۳/۶۹۱ تا ۳/۶۹۲)، (۸/۷۳۰ تا ۸/۷۳۱) ... (۵/۸۱۳)

۵-۱- انتقاد از بی عدالتی های اجتماعی

یکی دیگر از مسائلی که این شاعر آزاداندیش را به انتقاد وامی دارد، مسائل سیاسی-اجتماعی حاکم بر جامعه اوست. سیف واقعیت های اجتماعی ونیز کم و کاستی های موجود در جامعه را با جسارت و شهامت ستودنی وبدون کمترین واژه ای مورد نقد ونکوهش قرار می دهد. بی عدالتی ها همیشه در گذر زمان تکرار شده و مردم را تحت ستم قرار داده است. اینکه شاعر باید آیینۀ تمام نمای جامعه اش باشد تا حقایق را آنچه که هست در هنرش بیان نماید، مقوله ای است که مولانا سیف الدین فرغانی به کمال از عهدۀ آن بدر شده و بی عدالتی های زمانش را چنان شیوا و روان به تصویر کشیده است که اگر هزاران سال برین اشعارنغز بگذرد، باز هم تازگی و تاثیرش بر جای باقی خواهد ماند.

بنابراین بیان نقیصه های اجتماعی و برشمردن زشتی ها و پلیدی های طبقۀ فاسد جامعه، در اشعار سیف موج می زند. این نقدهای صریح و جدی، خالی از هزل و مطایبه بوده کلام او ساده ، روان وقاطع است. بیشترین انتقادات سیف از اوضاع جامعه عصر خود، شامل بی عدالتی و ظلم وجور رایج در جامعه از طرف حاکمان سیاسی جامعه است؛ تا آنجا که او قصیده ای با ردیف عدل سروده و خطاب به حاکم و کاملاً مستقیم وبی پروا، بی عدالتی موجود در جامعه رابه نقد کشیده است:

ای که اندر ملک گفتی می نهم قانون عدل ظلم کردی ای اشارات همه بیرون عدل
ز آن همی ترسم که ناگه سقف بر فرش اوفتند خانه دین را که بس باریک شد استون عدل
(دیوان فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا:ص ۲۰۱)

سیف در زمانه و جامعه خود اثری از عدالت نمی بیند. در جامعه وی ساق عدل لاغر و ران ظلم فربه و آب وهوای خاک از آتش ظلم تیره گشته است و نمی توان عدل سلیمان در آن یافت:

ملک دنیسا و مردممان در وی گورخانه است و مردگان در وی
عدل را ساق لاغر است و لیک ظلم را فربه است و ران در وی
(همان:ص ۲۴۰)

کز روی پیشه کنی جمله ترا یار شوند ور ره راست روی هیچ نیایی یاری
(همان:ص ۲۵)

دعوت به پرهیز از ظلم، بیان نتایج شوم ستمکاری و عبرت گیری از سرانجام ظالمان، از دیگر اقداماتی است که سیف در مقابله با ظلم وجور سلاطین انجام داده است. کمترین توقعی که او از سردمداران حکومت دارد، این است که اگر بر جگر سوخته بینوائی آبی نمی پاشید ونانی به او نمی دهید، حداقل نانش را نگیرید:

در همه مملکت امروز سلیمانی نیست
هر که را دست تصرف ز تو باشد بر خلق
کآدمی را نبود درد سر از دیوانش
(دیوان فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا: ص ۱۱۷)

سیف، شرط اصلی حکومت را عدالت می‌داند و با صراحت تمام پادشاهی که از عدالت دور است اهل دوزخ می‌داند:

شهی ولایت حکم است در حکومت عدل به
وگر نه کس نشود پادشه به تاج و سریر
(همان: ص ۱۲۰)

۱۵۳ بیت از اشعار انتقادی سیف پیرامون بی‌عدالتی‌های اجتماعی می‌باشد.
(۱۰ تا ۲۰۲)، (۱۰ تا ۳۰۳)، (۱۱ تا ۱۱۷)، (۱۷/۶)، (۱۷/۷)، (۱۰ تا ۵/۸)، (۱۰ تا ۸/۱۱)، (۱۱ تا ۲۵)/
۱۳، (۸، ۱۲، ۱۰)، (۷/۱۰)، (۱۰/۱۰۷)، (۹/۱۱۰)، (۹، ۱۱/۱۱۹)، (۶، ۹، ۱۱/۱۱۹)، (۱۳/۱۲۰)، (۷، ۸/۱۳۷)، (۴/۱۳۹)، (۱۳، ۱۰/۲۲۸)،
(۱۰/۲۳۱)، (۱۰/۲۳۶)، (۱۶ تا ۱۱/۳۲۷)، (۱۰ تا ۱۰) و...

۶-۱- انتقاد از ناامنی و فقدان آسایش

سیف در دو قصیده‌ای که به ظاهر در مدح غازان خان سروده، اوضاع جامعه خود را بخوبی ترسیم کرده است. به طوری که از این ابیات ناامنی و فقر و ناداری و فتنه و آشوب موجود در جامعه‌ای که شاعر در آن می‌زیسته را به روشنی می‌توان دید.

در قصیده زیر، شاعر از نابسامانی و هرج و مرج، رنج برده و از غازان خان یاری جسته است:
قدوه و عمده شاهان جهان غازان را
خوف آن است که از آب بترسد ماهی...

(دیوان فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا: ص ۱۷۲)

سیف در قالب شکایت، ۱۱۰ بیت را در انتقاد از ناامنی و فقدان آسایش در دوران مغولان، در دیوان خویش سروده است.

(۱۵/۱۷۲ تا ۱۸)، (۱۱/۶)، (۵/۱۱)، (۷/۱۴)، (۷/۱۷)، (۸/۳۲)، (۵-۶/۱۱۸)، (۱۰/۱۲۲)، (۳/۱۲۶)، (۸/۱۴۴)-
۷-۶، (۱۲/۱۴۵)، (۱۸/۱۸۰)، (۸/۱۸۱)، (۱۵/۱۸۳)، (۱۵-۲۰/۱۸۵)، (۲/۱۹۸)، (۱۰/۲۰۱)، (۸-۷/۲۱۷)-
(۶/۷۱۴)...

۷-۱- انتقاد از تاراج اموال مردم و اخذ مالیات‌های سنگین

با هجوم مغول، زمین‌های زراعتی بایر و غیر قابل کشت شد و مردم از شدت فقر و تهی‌دستی به جان یکدیگر افتاده بودند:

قحط از آن سال گشته مستولی که بهر قوت روز
چون سگان گرسنه افتاده اندر یکدیگر
(همان: ص ۱۸۱)

سیف در انتقاد از حاکمان به دلیل گرفتن انواع مختلف مالیات‌های چینی می‌گوید:

بررسی مسائل انتقادی در اشعار سیف الدین محمد فرغانی و دسته بندی آن مسائل بر اساس دیوان شاعر/۲۵۱

خانه ها لانه روباه شد از ویرانی
شهر ها خانه شطرنج شد از بی شاهی
در دم ازو قبیح و تمغنا خواهند
عنکبوت ار بنهد کارگه جولاهی
(همان:ص ۱۷۳)

همچنین:

از جفای ظالمان و گرم و سرد روزگار
یک جهان مظلوم را لب خشک نانی، دیده تر
(همان:ص ۱۸۱)

ابیات انتقادی در قالب شکوه و شکایت در این زمینه ، ۲۰ بیت می باشد.

(۱۷۳/۱ تا ۱۰)، (۱۸۱/۱-۸)، (۱۸۳/۳).

۸-۱- انتقاد از فرمانروایی مردم نالایق و بی دین

افتادن فرمانروایی و حکومت در دست افرادی بی لیاقت، سیف را بر آن داشته تا عکس العمل خویش را
اینگونه بیان نماید:

مردم بی عقل و دین گرفته ولایت
حال بره چون بود چو گرگ شبان بود
(همان:ص ۱۴۴)

همچنین در ابیات زیر می گوید:

اندردین ایام کآسایش نمی یابند انام
حکم بر ارباب علم اهل جهالت می کنند

پیر شد ابلیس بد فرمای واز کار اوفتاد
وین شیاطین از برای او وکالت می کنند
(همان:ص ۲۴۶)

حکمرانی افراد بی لیاقت سبب گردیده تا عالمان از روی ناچاری و برای کسب روزی و بدست آوردن رزق
روزانه خود به گدایی و دربیوزگی نزد این حاکمان سگ صفت و بی لیاقت روی آورند:

گو درین مصر که فرعون درو صد بیش است
نان عزیز است که شد یوسف گندم چاهی
گو بدان ای به وجود تو گرفته زینت
کرسی مملکت و مسند شاهنشاهی.....
(همان:ص ۱۷۲)

در بیان انتقاد سیف از افراد بی لیاقت و شکایت از این اوضاع، ۷۰ بیت یافت شد.

(۱۲/۱-۲)، (۱۱۷/۶-۴-۳-۲-۱)، (۱۱۹/۱۲)، (۱۲۱/۴)، (۱۳۸/۶)، (۱۶۸/۲)، (۱۸۵/۵)، (۱۸۵/۳)،
(۱۹۳/۵)، (۱۷۲/۱۶)، (۱۷۲/۱۲)، (۲۰۵/۱۸)، (۱۳۲/۲۱)، (۱۹۶/۵)، (۵۵/۵).....

۹-۱- انتقاد از صاحبان مناصب، مشاغل و موقعیت های اجتماعی و سیاسی

سیف فرغانی شاعری دلسوز است که جز به حال زار و نزار جامعه درد کشیده خود به چیزی دیگر نمی
اندیشد. او با وسواس و دلسوزی طبیبانه در صدد شناختن علتهای وریشه کن کردن آنهاست. در این جستجوها
چاقوی جراحی بیشتر از هر چیز به دملهای چرکین حکومت می خورد؛ از این رو در باور او سرمایه فساد
وسر منشاء تباهی، دستگاه حاکم و سرکرده آنها امیراست. پس بی جهت نیست که لبه تیز انتقادش را غالباً
روی همان نقطه چرکین می گذارد تا با کندنش ریشه تباهی را بخشکاند:

به نزد همت من خردی ای بزرگ امیر / امیر سخت دل سست رای بی‌تدبیر
 شهی ولایت حکم است و در حکومت عدل / وگر نه کس نشود پادشه به تاج و سریر....
 (دیوان فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا: ص ۱۲۱)
 در ادامه، سیف خطاب به حاکم می‌گوید که رعایت عدالت و نیز رفتار طبق شرع و دین عین عدالت است و غیر
 آن ظلم:

تا امام خود نسازی شرع را در کار ملک / هر چه تو حاکم کنی چون ظلم باشد دون عدل.
 (همان: ص ۲۰۱)

او هم عصیان خویش را به آینده ای روشن امیدوار می‌کند و اشاره دارد که ظلم این ظالمان هم خواهد
 گذشت. او حتی مرز سخن را از توصیف و ضبط حوادث اجتماعی روزگار مغول فراتر می‌برد و در شعری
 تکان‌دهنده، به سان همه سخنوران منتقد و بی‌پروای نام و نان و جان، جهان را به کام حاکمان خون‌ریز تلخ
 و از لحظه سقوط و فروپاشی حکومت ظالم یاد می‌کند:

هم مرگ بر جهان شما نیـز بگذرد / هم رونق زمان شما نیـز بگذرد
 بر تیر جورتان ز تحمل سپـر کنیم / تا سختی کمان شما نیـز بگذرد....
 (همان: ص ۲۱۷)

در بررسی اشعار انتقدی سیف، ۱۲۴ بیت در خصوص شکایت سیف از امیران و صاحب منصبان و سایر
 موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی می‌باشد

(۸/ ۴۵)، (۱۶/ ۱۱۶)، (۷/ ۱۱۷ تا ۷)، (۹/ ۱۲۰ تا ۱۳)، (۱/ ۱۲۱ تا ۱۱)، (۱۲۲/ ۱۰ تا ۱۰)، (۱/ ۲۳ تا ۱
 ۵)، (۳/ ۱۲۶)، (۶-۷-۸/ ۱۴۴)، (۱۲/ ۱۴۵)، (۱۸/ ۱۸۰)، (۸/ ۱۸۱)، (۱۵/ ۱۸۳)، (۱۵-۲۰/ ۱۸۵)، (۲/ ۱۹۸)، ...

۱۰-۱- انتقاد از وزیران سرکش و ستم پیشه

سیف از انتقادات به این دسته از افراد جامعه نیز غافل نشده است و سوء استفاده آنان از اموال مردم
 و حکومت، ظلم، ثروت اندوزی‌های سیری ناپذیر و نیز بخل آنها از خصایصی است که سیف از وجود آنها در
 برخی از وزرای ظالم و ستم پیشه زمانش گله و انتقاد نموده است:

ایا دستور هامان وش! که نمرودی شدی سرکش / تو فرعونی و چون قارون به مال است افتخار تو!
 (همان: ص ۷)

اشعار انتقدی سیف در این زمینه، ۳۰ بیت می‌باشد که وی در این ابیات به طرزی پرخاشگرانه بر وزیران
 سرکش تاخته و از آنان شکایت کرده است.

(۹/ ۵ تا ۱۰)، (۱۰/ ۱۱۰ تا ۱۱)، (۱/ ۱۱)، (۵/ ۱۱۸ تا ۱۴)، (۱/ ۱۱۹ تا ۱۲)...

۱۱-۱- انتقاد از عاملان، پیشکاران و کارگزاران حکومت

عاملان و پیشکاران حکومت که بر ولایت‌های تحت سلطه پادشاهان گماشته می‌شدند، معمولاً از میان افراد
 مورد اعتماد پادشاه انتخاب می‌شدند. به همین دلیل، گاهی هیچ‌گونه بازخواستی از کارشان صورت نمی-
 گرفت و در نتیجه خود را را آزاد و توانا می‌دیدند و به آزار و اذیت مردم بی‌دفاع می‌پرداختند. سیف با این

بررسی مسائل انتقادی در اشعار سیف الدین محمد فرغانی و دسته بندی آن مسائل بر اساس دیوان شاعر/۲۵۳

دسته از افراد از سر درد سخن می گوید و آنان را با القابی چون: «عوان»، «گدا»، «دیو»، «سگ»، «گرگ» و... مورد خطاب قرار می دهد:

منم یارا بدین سان اوفتاده دلم را سوز در جان اوفتاده
گوسپندان، این سگان گرگ همه در گوسپندان اوفتاده....
(همان:ص:۱۱۸)

در بررسی اشعار سیف ۴۴ بیت در زمینه انتقاد و شکایت از عاملان و کارگزاران حکومتی، یافت شد.
(۱۱۸/۵ تا ۱۴)، (۱۱۹/۱ تا ۲۲)، (۱۸۵/۸-۹)، (۲۴۶/۳،۴،۱)، (۳۲/۸).

۱۲-۱- انتقاد از مستوفیان زراندوز

مستوفیان و مأموران مالیاتی، یکی دیگر از افراد و گروه هایی هستند که در دوره زندگی سیف، زیر سایه پادشاه به مردم ظلم و جور روا می داشتند. سیف از آنها با اصطلاحاتی نظیر: گدا، عوان، عقرب، گربه و زرده مار نام می برد و به آنها یا دآوری می کند که روز بازخواستی خواهد بود:

ایامستوفی کافی که در دیوان سلطانان به حل و عقد در کار است بخت کامکار تو...
تو ای بیچاره آنگاهی به سختی در حساب افتی که دفتر فرو شویند نقش چون نگار تو
(همان:ص:۱۱)

سیف در ۱۱ بیت، با بیانی انتقادی، از مستوفیان زر اندوز شکایت نموده و آنها را به باد انتقاد گرفته است.
(۱۱۹/۵ تا ۶)، (۱۱۹/۵ تا ۱۳).

۱۳-۱- انتقاد از قاضیان رشوت خوار و بی دین

در دوران سیف، ظلم و جور به حدی بود که سیف دیگر زبان پند و اندرز را کارگر نمی داند و با مشاهده ضایع شدن حقوق مردم، رشوه خواری و بی دینی قاضیان و همچنین حکم ناحق آنها به نفع مردم ثروتمند، رشوه ده و سود جو، به خشم آمده و قاضیان زمان خود را چنین مورد انتقاد قرار داده است:

ایا قاضی حیلت گر، حرام آشام رشوت خور ز بی علمی تو چون گاوی و ، نطق تو خوار تو...
که بی دینی است دین تو و بی شرعی شعار تو!... (دیوان فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا:ص ۸)
سیف ۱۳ بیت را در انتقاد از قاضیان بی دین، سروده است و در قالب شکایت از آنان خرده گیری نموده است.
(۱۱۹/۷ تا ۱۱)، (۱۱۲/۱ تا ۵)، (۱۱۸/۵ تا ۱۴).

۱۴-۱- انتقاد از صوفیان دروغین

سیف که خود نیز صوفی و عارفی آگاه است، به زبان نیش و طعن، عبادت ریایی و ظاهری صوفیان ریاکار را نکوهش کرده است و به طور کلی در ۶۰ بیت از دیوان خویش، آنها را مورد انتقاد و شکایت قرار داده است:

ایا درویش رعناوش، چو مطرب با سماعت خوش به نزد ره روان بازیست رقص خرس وار تو!
(همان:ص:۹)

(۱۱۲/۸ تا ۱۱)، (۱۱۳/۱ تا ۷)، (۱۶۸/۶ تا ۱۰)، (۱۳۷/۶،۷،۸)، (۱۴۵/۱ تا ۲۲)، (۱۹۸/۷ تا ۱۲)، (۲۱۸/۴،۵،۶)....

۲- پند و اندرز

ادبیات اندرزی یا حکمی از جمله وسیع‌ترین موضوعات در زبان فارسی است. «اندرزگویی در شعر پارسی با نخستین شاعرانی که از آنان آثاری داریم شروع می‌شود؛ مثل حنظله بادغیسی و بوسلیک گرگانی که هر دو در قرن نهم میلادی می‌زیسته‌اند» (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، صفا:ص ۱۸۲) و بعد از آن هیچ‌گاه انقطاع نمی‌یابد چنان‌که بلافاصله بعد از دو شاعر مذکور رودکی (م‌توفی ۳۲۹ هـ)، «قسمت بزرگی از مجموعه عظیم اشعارش را به این موضوع اختصاص داد. وی با نظم فارسی کلیده و دمنه مهم‌ترین قدم را در این راه برداشت و از آن گذشته قطعات و ابیات متعددی متضمن اندرزه‌های اخلاقی و اجتماعی سرود و به قول یکی از شاعران هم عهدش هنگام مرگ از خود میراثی از حکمت باقی نهاد» (المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس قیس:ص ۱۸۹).

«شاعران دیگر قرن چهارم هجری مانند شهید بلخی، ابو طاهر خسروانی، دقیقی، خسروی سرخسی، ابو الفتح بستی همه دارای قطعات بلند و کوتاه اندرزی هستند؛ ولی هیچ‌یک از آنان در این راه به ابوشکور بلخی نمی‌رسند که منظومه اندرزی خود، آفرین‌نامه را در سال ۳۳۶ هجری به بحر متقارب تمام کرد. در این اندرزنامه موضوعات مختلف اجتماعی و اخلاقی و دستورهای زندگانی، وظیفه آدمی در تهذیب نفس و تکامل خود از راه دانش و خردمندی و نظایر آنها توجیه شده است» (محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، نفیسی:ص ۱۲۳۳). گذشته از این‌ها در متن داستان‌ها و رد و بدل شدن سخنان میان قهرمانان داستان‌های شاهنامه هم بسیار به اندرزه‌های حکیمانه باز می‌خوریم که شاید در اصل همان داستان‌ها بوده و شاعر آنها را به نظم درمی‌آورده است (برای نمونه داستان ایرج بیتهای ۵۰۹-۵۱۰ و ۵۲۴-۵۲۵). در دیوان سیف فرغانی با گنجینه‌ای از پند و اندرز، رو به رو هستیم. پنندهای حکیمانه سیف درباره پرستی، ناپایداری دنیا، مذمت دنیا پرستی و مال اندوزی، استقرار عدل و ناپایداری ظلم و ستم، پرهیز از ظلم، بیان نتایج شوم ستم‌کاری، عبرت‌گیری از سرانجام ظالمان، دعوت به نیکی و دین‌داری، مدارا با رعیت و درویشان، تحمل سختی، و چندین نکته اخلاقی و اجتماعی دیگر می‌باشد. بنابر این می‌توان گفت که در بیان مسائل انتقادی، بیشترین بسامد را در دیوان این شاعر پس از شکوه و شکایت، پند و اندرز به خود اختصاص داده است.

۲-۱- دعوت به یکتا پرستی

سیف در زمینه دعوت به یکتا پرستی خطاب به مردم می‌گوید که تنها باید از خدا طلب کنیم و هر نعمتی را از چشمه لایزال محبت او بدانیم. ۴۶ بیت در دیوان شاعر پیرامون این موضوع یافت شد.

سوره حممد و ثنای او بخوان کایت عز و علا در شأن اوست
گر ز دست دیگری نعمت خوری شکر او می‌کن که نعمت آن اوست...

(دیوان فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا:ص ۳)

۲-۲- ناپایداری دنیا

در بررسی اشعار سیف، در قالب پند و اندرز پیرامون ناپایداری دنیا، ۶۴ بیت یافت شد. به عنوان نمونه به چند بیت اشاره می شود:

بسپج راه کن مسکین در این منزل چه می باشی امل را منتظر چون هست اجل در انتظار تو
(همان: ص ۱۰)

سیف در ابیات زیر بیان می دارد که کارهای دنیا وارونه و ناپایدار است. چه خوب و چه بد، باید از این دنیای فانی رخت بر بندی:

پیش از این بی دگران با تو بسی بود جهان پس از این با دگران بی تو بسی خواهد بود....
(همان: ص ۱۹۷)

(۱۱۷/۲ تا ۱۰)، (۱۰/۱ تا ۵)، (۲/۱۹۶ تا ۱۰)، (۱۰/۱ تا ۱۹۷)، (۳/۲۰۴ تا ۹)، (۸/۲۰۵ تا ۱۸)، (۱۴/۲۱۸ تا ۱۹)، (۱۲/۲۱۹ تا ۱۲)، (۱۹۹/۲۲۷ تا ۱/۲۲۸)، (۲/۲۳۱ تا ۱۷).....

۲-۳- مذمت دنیا پرستی و مال اندوزی

سیف نیز مانند دیگر شاعران به خوبی دریافته که دنیا بی مهر و سست پیمان است، بنابراین شاعری چون او خود را موظف می داند تا مخاطب را اندرز دهد، که دلبسته این دنیا نشود. در دیوان او ۹۸ بیت در این باره یافت شد.

مهر دنیای دنی در دل خود سخت مگیر کآز مودند بسی سست بود پیمانش
(همان: ص ۱۴۷)

همچنین در جایی دیگر از دیوان، ذکر می کند که اگر این دنیا سراسر عسل گردد، از او دوری کن:
جهان سفله اگر سر به سر عسل گردد مزن درو و نگه دار زینهار انگشت
(دیوان فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا: ص ۱۶۸)

همچنین در ابیات زیر پند و اندرزهای وی در دست کشیدن از دنیا و متصل شدن به یاد خدا، موج می زند:
ای به دنیا مشغول از کار دین غافل مباش یک نفس از ذکر رب العالمین غافل مباش
(همان: ص ۲۳۹)

دست از جهان بدار که اصحاب کهف وار در غار ره نیافت سگ ار ترک نان نکرد
(همان: ص ۴۶۶)

سیف با تشبیه این دنیا به معدنی از طلا، هم نوعان خویش را نصیحت می کند که چون طفلان در خاک این معدن خاک بازی مکن و به فکر به دست آوردن گنجینه ای برای آخرت باش:

اندرا این معدن که مردان آستین پر زر کنند خویشان را همچو طفلان خاک در دامن مکن
(همان: ص ۶۹۱)

همچنین بیان می دارد که جهانی که دارد که جهانی که چون کاه است به دست اهلس بشپار و از این گروه جدا باش:

ملک دنیا به اهل دنیا ده کاه تسلیم کن به کاه ربای
(همان:ص ۸۱۶)

همچنین بیان می‌دارد که در دنیا هیچ حلاوتی نیست:
بس سیه کاسست دنیا گرد خوان او مگرد کو نمک در شوربا و چاشنی در نان نداشت
(همان:ص ۲۹۸)

(۱۰۲/۱۴۶)، (۲/۱۶۸)، (۱۰ تا ۱/۲۳۹)، (۱۳ تا ۱/۲۴۰)، (۲۲ تا ۱/۲۴۱)، (۲۹، ۴)، (۶/۴۶۶)، (۳/۶۹۱)، (۸۱۶)
۷، ۶، ۵، (۵۲۲/۳)، (۶/۷۱۴)...

۴-۲- استقرار عدل و ناپایداری ظلم و ستم

سیف فرغانی شاعری مردمی و دلسوز بوده و در استقرار عدالت اشعاری را در دیوان خویش جای داده است.
در بررسی دیوان او، ۱۵۰ بیت در این موضوع استخراج گردید. سیف در این ابیات، به افراد مظلوم دل‌داری
میدهد و با زبان پندگونه می‌گوید: اگرچه امروز ظالم عزیز است، در قیامت پست‌ترین افراد خواهد بود.

امروز ظالم از چو توانگر عزیز باشد فـردات خوار تر از گدایان کوی نماید (دیوان
فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا: ص ۵۷)

وی به حاکمان و امیران پند می‌دهد و آنها را نصیحت می‌کند که اگر می‌خواهی در روزی که نا اهلان
پناهی ندارند، جایگاهت بهشت باشد، عدالت را اجرا کن:

عدل کن امروز تا باشد مقرر تو بهشت اندر آن روزی که گوید آدمی این المفر
(همان:ص ۱۸۳)

همچنین در ابیات زیر، در باب عدل این گونه سخن رانده است:

گر خوهی تا نظم گیرد کارملک و دین تو جهد کن تا جمله افعال شود موزون عدل
(همان:ص ۲۰۲)

به عدل ار تو یاری کنی خلق را تو به فضل ایـزدت دست یاری کند...
(همان:ص ۲۴۵)

خطاب به شاهان می‌گوید:

مکن گر شاه و سلطانی، به ظلم و جور ویرانی که تا اکنون اثر ماندست عدل آباد کسری را
(همان:ص ۴۶۸)

دیگر ابیات به شرح زیر است:

(۸/ ۹ تا ۳)، (۱۱ تا ۱۱)، (۵ / ۱۱ تا ۱۱)، (۱، ۲، ۳ / ۴۱)، (۳، ۶ / ۵۷)، (۶۶ / ۸، ۹، ۱۰)، (۲ / ۱۱۳)،
(۱۱ تا ۱ / ۱۱۷)، (۱۲۰ / ۱ تا ۸)، (۷، ۸ / ۱۳۷)، (۸ / ۱۸۰)، (۷، ۸، ۹، ۱۰ / ۱۸۴)، (۷، ۸، ۹، ۱۰ / ۱۸۵)، (۲۲ تا ۲ / ۲۰۳)، (۹ تا ۹)، و....

۵-۲- پرهیز از ظلم

سیف جزء آن دسته از شاعرانی است که با لبه تیز شعرش بر افراد ظالم دوران زندگی خویش، جراحی های عمیقی فرو نشانده است. در بیشتر قصاید به حکم رانان با زبان نصیحت گونه اما تلخ اندرز می دهد که یار محنت کشان و اهل ایمان باشید و ولایتی را که خدا به شما واگذار کرده، وسیله آزار خلق و ناخشنودی پروردگار قرار ندهید. ۷۳ بیت از ابیات دیوان وی پیرامون پند و اندرز و انتقاد وی از ظلم می باشد.

ای به دولت مفتخر محنت کشان را دست گیر
وی به شادی مشتعل، انده گنان را غم بخور
(همان: ص ۱۸۰)

ای که بر خلق حقت دست ولایت داده
خلق آزار مدار از خود و حق ناخوشنود
(همان: ص ۱۹۶)

مکن گر شاه و سلطانی به ظلم و جور ویرانی
که تا اکنون اثر ماندست عدل آباد کسری را
(همان: ص ۴۶۸)

ای سلیمان به دستگاه مکوب
سر موران که زیر پای توواند
(همان: ص ۷۶۸)

(۱۶/۴۸)، (۳/۵۶)، (۳۰۷/۵۷)، (۳/۶۵)، (۶/۷۲، ۷، ۸، ۹، ۱۰)، (۷/۱۰۱)، (۱۰/۱۰۷)، (۹/۱۱۰)، (۱۱/۱۱۱)، (۱۱/۱۸۵ تا ۲۲)، (۱۰/۱۹۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲)، (۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰)، (۹/۲۱۰)، (۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰)، (۶/۴۶۸)، (۱۲/۷۶۸)...

۶-۲- بیان نتایج شوم ستمکاری

سیف فرغانی علت ناپایداری دولت و حکومت را داشتن حکمرانان ستمکار و ظالم می داند. همچنین بیان می کند که ای کسانی که مظلوم واقع شدید، روزی این امیران ظالم چون اسیران خوار و افتاده خواهند شد. در دیوان این شاعر ۴۰ بیت به این موضوع اختصاص یافته است.

جفا با عاشقان کم کن که مر سلطان ظالم را
درازی باشد اندر دست و اندر عمر کوتاهی
(دیوان فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا: ص ۶۵۵)

امیرانی که بر تو ظلم کردند
به خواری چون اسیران اوفتاده
(همان: ص ۱۱۹)

(۸/۱۸۳ تا ۳)، (۱۱/۱۸۵ تا ۱)، (۱۶ تا ۸/۲۱۷)، (۱۳ تا ۸/۲۴۵)، (۶، ۷، ۸، ۹/۲۴۵)، (۸، ۱۰/۲۹۸)، (۶، ۷/۴۶۸)، (۵/۸۱۳)، (۸/۹ تا ۳/۹)، (۱۱ تا ۵/۱۱)، (۱، ۲، ۳/۴۱)، (۳، ۶/۵۷)، (۸، ۹، ۱۰/۶۶)، (۲/۱۱۳)، (۱۱/۱۱۷ تا ۱۱).

۷-۲- دعوت به نیکی و دین داری

سیف در ابیاتی که مضمون آنها دعوت به نیکی و دین داری است، به مخاطبان می گوید: اگر از کارهای ناشایست دست بکشی و از ته دل آه توبه سر دهی، هم شفا می یابی و هم در روز قیامت سربلند خواهی بود. در مجموع، ۳۵ بیت دیوان سیف در قالب پند و اندرز پیرامون نیکی منشی و دین داری می باشد.

از سر فعل های بد برخیز مرض
ای به نیکی فتاده در افواه...
صد گناه شفا یابد
از سر درد اگر کنی یک آه
(همان: ص ۶)

سیف در قالب پند و اندرزهای حکیمانه می گوید که اگر می خواهی به مقام عالی برسی با اهل علم بنشین و از جاهلان دوری کن و با اخلاق خوش با مردم سخن بگو:
با اهل جهل منشین کان پایه ایست نازل
با اهل علم بنشین کین مجلس ایست عالی
(همان:ص:۱۰۹)

سیف در دعوت به دین داری اینگونه سخن رانده است:
نیست حاجت به عون و نصرت کس
دولتــــی را که دین معین باشد
(همان:ص:۱۷۴)

شاعر بیان می دارد که شرف نفس در نیکی کردن و کرم است:
گر کرم داری با خلق کرم کن زیــــرا
شرف نفس به جود است و کرامت به سجود
(همان:ص:۱۹۷)

سیف معتقد از که با نیکی کردن به هم نوعان، از شر حوادث بد در امان خواهیم بود:
نیکیوی کن که نیکوان به دعا
از حوادث نگاهبــــان توانــــد
(دیوان:ص:۱۸۵)

(۶/۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴/۱۰۹)، (۱۰، ۱۳، ۱۴/۱۷۴)، (۵ تا ۱/۱۷۸)، (۵، ۶، ۷، ۸، ۹/۱۷۸)، (۷/۱۸۷)، (۹/۱۹۷)، (۵/۱۹۶)، (۱/۲۰۴) تا (۹)، (۶/۲۰۵).

۸-۲- مدارا با رعیت و درویشان

سیف احترام فراوانی نسبت به طبقه درویشان قائل بوده است. ۴۲ بیت در قالب پند و اندرز و پیرامون احترام و مدارا با درویشان، در دیوان این شاعر یافت شد. شاعر در قالب پند و اندرز به امیر و حاکم عصر خویش می-گوید که تو باید ضامن امنیت و بهبود خلق باشی؛ پس به هوش باش تا غافل نگردی.

غافل از کــــار خلق نتــــوان بود
که بسی خلــــق در ضمان تواند
(دیوان فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا: ص:۱۸۴)

همانند همه شاعران عارف و واصل، اعتقاد سیف نیز در باره مقام والای درویشان در این بیت به روشنی نمایان است. او آه و اشک درویش را والا می داند و به دیگران نصیحت می کند که اگر جویای راه خدا هستند، بندگی درویشان پیشه کنند. اگر هم دنیا پرست هستند، چاکر و بنده سلطانان گردند.

دل درویــــشش گنج گوهر آمد
اگر دستت رسد مشکن، نگه دار
(همان:ص:۷۸۴)

ای شهنشه با رعیت مگذر از آیین عدل
وی توانگر با گدایان رسم احسان تازه کن
(همان: ص: ۷۲۶)

(۲، ۳، ۵، ۶/۱۹۱)، (۱۰/۱۸۷)، (۲/۱۸۸)، (۱، ۴/۲۰۰)، (۱۷/۲۳۶)، (۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷/۲۳۶)، (۱۰ تا ۱/۲۳۷)، (۲۴۵) (۲، ۳، ۴، ۹، ۱۲، ۱۴/۱۴۴)، (۱۵/۷۸۴)، (۱۲، ۱۳/۷۲۶)، (۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴)

۹-۲- تحمّل سختی

بررسی مسائل انتقادی در اشعار سیف الدین محمد فرغانی و دسته بندی آن مسائل بر اساس دیوان شاعر/۲۵۹

سیف با زبانی پند آمیز اما در پوششی تلخ از انتقاد از زمانه خویش، عصر مغول را به دنیای سراسر محنت تشبیه کرده و می گوید: که در این دنیا که مانند مشرب شوربست، نباید انتظار آب شیرین داشته باشیم. پس بهتر است در مقابل این تلخی خم به ابرو نیاوریم و تحمل پیشه کنیم. در بررسی دیوان وی ۶۸ بیت در تحمل سختی و مشقت های دنیا مشاهده گردید.

گر به کام تو رسد تلخ مکن روی تشرش کآب شیرین نخورد تشنه از این مشرب شور
(دیوان فرغانی، تصحیح ذبیح الله صفا: ص ۱۸)

همچنین به هم نوعان خویش پند می دهد که با تحمل سختی و مشکلات در عصر این ناهلان، خدا درمانی نازل می فرماید و این ظالمان را از پای در خواهد آورد.

اگر صبرت بود روزی ببینی عوانان کشته، میسران اوفتاده
(همان: ص ۱۲۰-۱۱۹)

همچنین در مواردی بسیار، پیرامون تحمل سختی و ظلم ظالمان سخن رانده است. به عنوان نمونه:
اگر بسوزی ای خام پخته خواهی شد که نان به مرتبه گه گندمست و گاه خمیر
(همان: ص ۱۲۳)

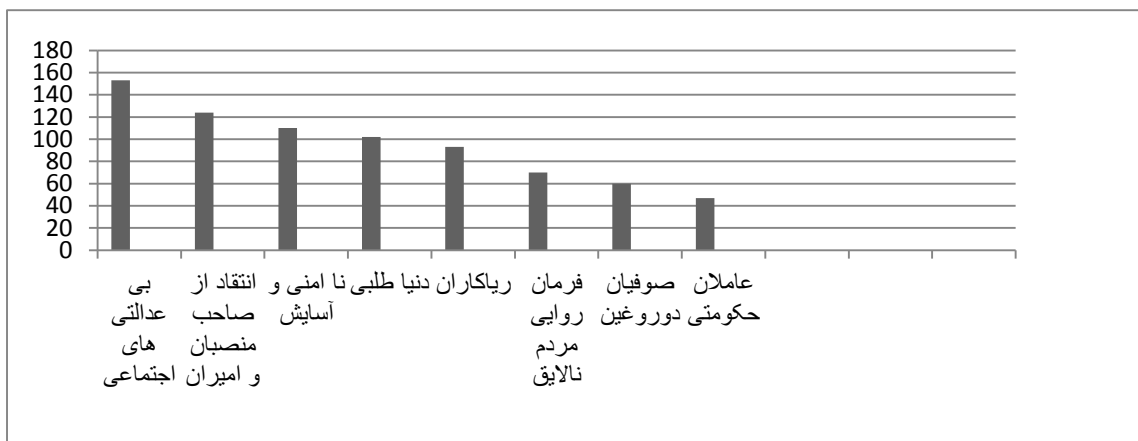
دیگر ابیات در این زمینه به شرح زیر است:

(۱۱۸/۶۰)، (۸/۱۲۰)، (۲/۱۲۳)، (۶،۷،۸/۱۶۲)، (۱۵/۸۲۷)، (۲/۱۱۳)، (۱۱/۱۰ تا ۵،۹)، (۱۱۸/۱۴،۱۵)، (۹،۱۰)، (۳/۲۴۳)، (۱/۲۴۵ تا ۱۴).

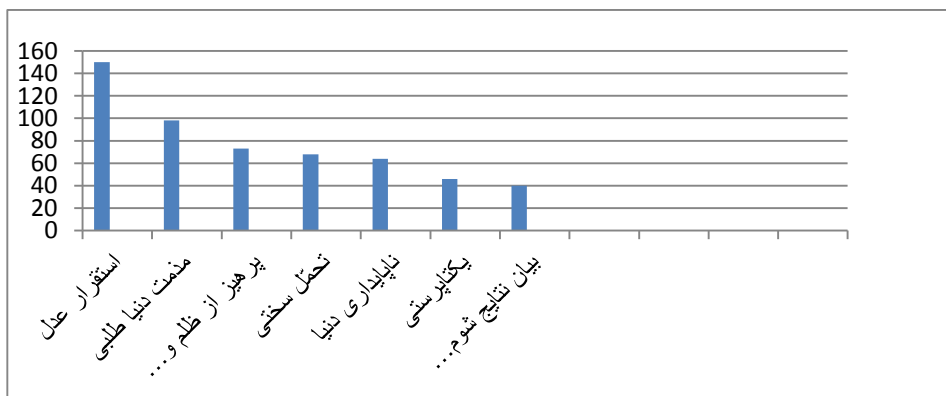
نتیجه گیری

بخش مهم ادبیات انتقادی، پس از حمله مغول و رواج فساد فراوان در جامعه ایران، شکل گرفته است. شاعران متعهد کثیری در این عصر حضور داشته اند که آزادانه و آزادمنشانه به بیان افکار خویش پرداخته و از هیچ قدرت حکومتی هراس به دل راه نداده اند. این شاعران منتقد دریافته بودند که با سکوت کردن، ظلم و تخطئه عمال حکومتی را قدرتمند می سازند؛ بنابراین فریاد انتقاد و اعتراض خود را به گوش این افراد میرساندند. سیف فرغانی از شاعران عارف و منتقد در قرن هفت و اوایل قرن هشت هجری، مصادف با حمله ویرانگر مغول، روزگار خویش را سپری کرد. وی مانند دیگر شاعران معترض، زبان به طعن و سرزنش گشوده و حکومت ستمگر را به باد انتقاد گرفته است. در دیوان او آنچه بیش از هر چیز به چشم می خورد، شکوه و شکایت، پند و اندرز و موعظه، انتقادات اجتماعی و سیاسی است. او به خوبی درد مردم را دریافته و شعر خود را در خدمت مباحث اخلاقی پندآموز و آموزشی و انتقال دردهای اجتماعی قرار داده است. دیوان این شاعر، تصویری زنده از جامعه شناسی و اوضاع اجتماعی و سیاسی آن دوران است. مضامین مورد توجه در اشعار انتقادی سیف در قالب شکایت و پند و اندرز، افراد و طبقات مختلف اجتماعی دوران زندگی اوست. او در حالی که با تحکم از شرایط جامعه و افول ارزش های اجتماعی و اخلاقی انتقاد می کند، راه حل ها و پیشنهادات اصلاح طلبانه خود را نیز ارائه می دهد. شاعر فرغانه با اشعار پرخاش گریانه خود به نوعی مبارزه پرداخته

است که در آن امیران، حکمرانان، اربابان زر و ثروت و مال و مکت، صاحبان مقام و قدرت و جاه و شوکت، زاهدان ریایی و عابدان ظاهر نما، طرف مقابل و محور اصلی مبارزه او محسوب می شود.



نمودار ۱- طبقه بندی انتقادات سیف در قالب شکوه و شکایت پیرامون افراد مختلف اجتماعی



نمودار ۲- طبقه بندی انتقادات سیف در قالب پند و اندرز

فهرست منابع و مآخذ

۱. انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، رزمجو، حسین، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، (۱۳۷۲).
۲. تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی، صفا، ذبیح الله، ج ۵، بخش ۲: از اوایل قرن هفتم تا پایان قرن هشتم هجری، تهران: توس (۱۳۷۸).
۳. تاریخ ادبیات ایران، صفا، ذبیح الله، جلد سوم، بخش سوم، تهران: فردوسی (۱۳۸۶).
۴. تاریخ ادبیات در ایران، -----، جلد سوم، بخش اول چاپ هشتم، تهران: فردوسی (۱۳۷۰).
۵. -ترجمان القرآن، جرجانی، علی. به کوشش محمد دبیر سیاقی، (۱۳۶۰).
۶. دانشنامه ادب فارسی، انوشه، حسن، جلد اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان چاپ و انتشارات، (۱۳۸۰).
۷. دیوان، فرغانی، سیف الدین محمد، به اهتمام و تصحیح ذبیح الله صفا، تهران: انتشارات فردوسی، (۱۳۶۴).
۸. زمینه اجتماعی شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمد رضا، چاپ اول، تهران: اختران و زمانه، (۱۳۸۶).
۹. سبک شناسی شعر، شمیسا، سیروس، ویرایش دوم، تهران: میترا، (۱۳۸۵).
۱۰. سرچشمه تصوف در ایران، نفیسی، سعید، تهران: انتشارات فروغی، (۱۳۷۱).
۱۱. شاهنامه، فردوسی، ابوالقاسم، بر اساس چاپ مسکو. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره، (۱۳۸۸).
۱۲. المعجم فی معاییر اشعار عجم، قیس رازی، شمس الدین محمد، به تصحیح سیروس شمیسا، تهران: فردوسی (۱۳۷۳).
۱۳. محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، سعید نفیسی، تهران: انتشارات فروغی، (۱۳۸۲).